

اهمیت سرمایه‌گذاری در صنایع غذایی و تأثیر آن

در محیط کسب و کار

سید جواد میر*^۱

چکیده:

صنایع غذایی در ایجاد اشتغال و ارزش افزوده از ضریب تکاثر بالایی برخوردارند که در افزایش درآمد، کاهش ضایعات، ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی، تحریک افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی، حضور در بازارهای جهانی و رونق کسب و کار اثر گذارند.

سهم اندک صنایع غذایی از تولید ۹۰ میلیون تنی محصولات کشاورزی ایران و همچنین تعطیلی و یا فعالیت کمتر از ظرفیت برخی از واحدهای صنایع غذایی در کنار حجم بالای واردات محصولات غذایی گویای اهمیت موضوع سرمایه‌گذاری در این عرصه و رفع چالشهای آن است.

با استفاده از روش تحقیق تحلیلی توصیفی ژرفانگر در مقاله حاضر تلاش شده جایگاه سرمایه‌گذاری در صنایع غذایی تبیین و روشن گردد چرا علیرغم اینکه به طور متوسط ۷۶٪ از ارزش تولید بخش کشاورزی به ارزش افزوده تبدیل می‌شود سرمایه‌گذاری در صنایع غذایی از بهره‌وری مناسب برخوردار نیست. تحلیل پدیده چند وجهی سرمایه‌گذاری صرفاً از طریق متغیرهای پولی و مالی غیر واقع بینانه است و باید با رویکردی نهادگرا مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در محیط عمومی کسب و کار و تأثیر آنها بر سرمایه‌گذاری مورد توجه قرار گیرند.

حاکمیت مطلق اقتصادی دولت عمده‌ترین عامل تأثیرگذار بر جهت‌گیری سرمایه‌گذاری در ایران است و چون فعالیتهای اقتصادی دولت بدون توجه به شرایط رقابت کامل صورت می‌پذیرد از اینرو عملکرد واحدهای صنایع غذایی که براساس اصول بازار رقابتی فعالیت میکنند را به طور منفی تحت

^۱ * استادیار موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

تأثیر قرار میدهد به گونه‌ای که نه تنها بازده سرمایه در آنها کاهش می‌یابد بلکه با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری نیز مواجه می‌گردند. این امر به نوبه خود موجب کاهش رونق کسب و کار در این حوزه پیشران میشود.

نتیجه مطالعه گویای آن است که بسیاری از صنایع غذایی برای تأمین سرمایه در گردش خودبه تسهیلات ارزان قیمت بانکی نیاز دارند که با توجه به نرخ بالای تورم و در نتیجه نرخ بالای سود تسهیلات عملاً دریافت سرمایه مذکور برای آنها امکان‌پذیر نیست و قدرت رقابت‌پذیری آنها افزایش پیدا نمی‌کند. نظام مالیاتی مبتنی بر ارزش افزوده نیز فاقد ویژگی جهت‌دهی فعالیتها در راستای حمایت از صنایع غذایی است، تحریمهای اقتصادی نیز صادرات محصولات صنایع غذایی را محدود ساخته که این امر نیز بر توسعه سرمایه‌گذاری و رونق کسب و کار تأثیر منفی داشته است. پیشنهاداتی برای رونق کسب و کار در صنایع غذایی ارائه گردیده است.

کلید واژه‌ها: سرمایه‌گذاری، صنایع غذایی، کسب و کار، کشاورزی.

مقدمه:

اقتصاددانان در مورد اینکه سرمایه مهمترین عامل تولید است اتفاق نظر ندارند اما در مورد اینکه سرمایه یکی از نهاده‌های اصلی تولید است که ایجاد ارزش افزوده در بخش‌های مختلف را شدیداً تحت تأثیر قرار داده و بستر لازم برای افزایش بهره‌وری سایر عوامل تولید و نهاده‌ها را فراهم می‌سازد اجماع دارند. تغییر نرخ بازدهی سرمایه در هر بخش نه تنها بفرایند جذب سرمایه در آن بخش تأثیر می‌گذارد بلکه نسبت سرمایه به تولید، هزینه فرصت سرمایه و قدرت جذب سرمایه سایر بخشها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ و به همین خاطر است که افزایش نرخ بازدهی سرمایه در هر بخش مهمترین عامل تأثیرگذار بر جذب منابع سرمایه‌ای به آن بخش است.

علیرغم اهمیتی که بخش کشاورزی در اقتصاد و امنیت غذایی دارد اما طبق آمارهای رسمی برای سال ۱۳۹۲ با سهمی معادل ۴٪ از کل سرمایه‌گذاریهای کشور پایین‌ترین سهم سرمایه‌گذاری را دارا بوده، ضمن اینکه سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی نیز حداکثر ۵٪ از کل سرمایه‌گذاریهای دولت را تشکیل داده است (بانک مرکزی، ۱۳۹۳).

رونق کسب و کار از طریق توسعه صنایع غذایی رقابتی که منجر به ایجاد اشتغال، افزایش درآمد، کاهش ضایعات، ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی، تحریک افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی، حضور در بازارهای جهانی و... می‌شود برای هر کشوری که تولید کننده محصولات کشاورزی باشد از اهمیت حیاتی برخوردار است. از اینرو سرمایه‌گذاری در این زمینه برای جمهوری اسلامی ایران که سالانه بیش از ۹۰ میلیون تن محصولات کشاورزی تولید میکند که بخش عمده‌ای از آنها به صورت تازه خوری و بدون هیچگونه فرآوری (حتی بسته‌بندی) مصرف میشود و بخش قابل توجه دیگری نیز با حداقل فرآوری و کمترین ارزش افزوده به بازار عرضه میشود ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

به جهت ماهیت عمدتاً دولتی و متکی به نفت اقتصاد ایران و سهم اندک بخش خصوصی در آن، سرمایه‌گذاریهای دولت و جهت‌گیریهای آن موجب می‌شود که سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی نیز از همان الگوی دولتی تبعیت نماید زیرا هزینه ریسک سرمایه‌گذاری و هزینه‌های زیرساختی سرمایه‌گذاری در آن زمینه‌ها کاهش و در نتیجه ضریب امنیت و تضمین سرمایه‌گذاری در حوزه

مذکور افزایش می‌یابد. به همین دلیل؛ سرمایه‌گذاری اندک دولت در بخش کشاورزی موجب گردیده سرمایه‌گذاریه‌های خصوصی هم بیشتر به خارج از بخش کشاورزی سوق یابند تا جاییکه در دو دهه اخیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بسیار پایین و حتی در برخی از سالها منفی بوده است.

ماهیت فسادپذیر اغلب محصولات کشاورزی و تولید غالباً فصلی آنها که به صورت حجیم و یکباره در محدوده زمانی مشخص و کوتاهی صورت میپذیرد و ثانیاً ارزش افزوده بالایی که از فرآوری این محصولات حاصل میشود و ثالثاً به دلیل اینکه مصرف بسیاری از این محصولات بدون عمل‌آوری ممکن نیست صنایع غذایی جزء لاینفک زنجیره تولید کشاورزی محسوب می‌شوند و آثار همه جانبه‌ای بر وضعیت کسب و کار دارند.

در مقاله حاضر موضوع سرمایه‌گذاری در صنایع غذایی و چالشهای آن که به شدت بر رونق کسب و کار تأثیر می‌گذارد مورد بررسی قرار گرفته و عوامل اصلی و تنگناهای آن شناسایی شده و راهکارهایی ارائه گردیده است .

روش تحقیق:

روش تحقیق توصیف مفهومی است و داده‌ها و آمار و اطلاعات عمدتاً متکی بر اطلاعات ثانویه میباشد و در برخی موارد از مشاهدات تجربی مجریان، مصاحبه و گفتگو با دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران استفاده شده است.

پیشینه تحقیق:

بیشتر مطالعات انجام شده در زمینه سرمایه‌گذاری و مسائل مرتبط با آن مربوط به چگونگی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و مقایسه کم و کاستیها و یا رجحانهای آن با سایر بخشها می‌باشد. شاید به دلیل آنکه صنایع غذایی ماهیت دوگانه کشاورزی و در عین حال صنعتی دارند، پژوهشگران هم در بخش صنعت و هم در بخش کشاورزی به نحو شایسته و بایسته به آن نپرداخته‌اند. به عنوان مثال در پژوهشی که تحت عنوان تحلیل سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران در سال ۱۳۹۲ منتشر گردید ضمن اینکه در جمع‌بندیهای آن موضوع حمایت از توسعه صنایع غذایی در چارچوب آمایش سرزمین به عنوان یکی از یافته‌های محوری به صراحت مورد تأکید قرار

گرفته اما تقریباً هیچ بخشی از آن به موضوع سرمایه‌گذاری در صنایع کشاورزی اختصاص داده نشده است (اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۲: ۳۱۷). لذا میتوان گفت فقر بسیار جدی و محسوسی در رابطه با موضوع سرمایه‌گذاری در صنایع کشاورزی و غذایی و چالشها و معضلات آن وجود دارد. اما از میان دستاوردهای مطالعات متعددی که در رابطه با وضعیت سرمایه‌گذاری وجود دارد میتوان به نکات کلیدی و مهمی دست یافت.

در تمام تاریخ مدون شده اقتصاد ایران یعنی از سال ۱۳۳۸ به بعد بخش کشاورزی کوچکترین مقصد سرمایه‌گذاری در کشور بوده است. در نیم قرن گذشته (۹۰ - ۱۳۳۸) میانگین رشد سالیانه بخش کشاورزی حدود ۰/۴٪ بوده که با توجه به میانگین نرخ رشد بخشهای صنعت و خدمات که در همین مدت به ترتیب ۸/۳٪ و ۵/۸۳٪ بوده‌اند پایین‌ترین نرخ رشد را بخش کشاورزی تجربه نموده است (اتاق بازرگانی، ۱۳۹۲: ۳۵).

طی برنامه‌های سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) و چهارم توسعه (۸۸ - ۱۳۸۴) که میانگین نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل اقتصاد ایران به ترتیب ۱۰/۷ و ۶ درصد بوده، میانگین نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی برای دو برنامه مذکور به ترتیب ۹/۵٪ و ۳/۴٪ بوده است. پایین‌تر بودن میانگین نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی در هر دو برنامه از میانگین نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل اقتصاد ایران در شرایطی رخ داده است که در دو برنامه مذکور توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در اولویت اهداف برنامه‌های فوق قرار داشته و مورد تأکید بوده است؛ اما علیرغم این هدف‌گیریها بخش کشاورزی نتوانسته به اهداف پیش‌بینی شده برای رشد سرمایه‌گذاری دست یابد. یکی از اهداف کلی برنامه چهارم توسعه افزایش محصولات فرآوری شده توسط صنایع تبدیلی به میزان ۵۰٪ وضع موجود در پایان برنامه سوم توسعه بوده است؛ این در حال است که برخی از آمار رسمی حکایت از وجود ظرفیت مازاد در صنایع مذکور دارند و شاهد این مدعا را نیز فعالیت برخی از واحدهای صنایع غذایی با کمتر از ظرفیت اسمی و یا تعطیلی کلی برخی از آنها اعلام می‌دارند که مربوط به نامناسب بودن بازار کسب و کار و مشکلات سرمایه‌گذاری در این حوزه است (عمانی و سلمانزاده؛ ۱۳۹۲: ۱۲۲).

یزدان‌بخش و همکاران (۱۳۹۲) معتقدند اقتصاد ایران در همه بخشها بر پایه تصدی‌گری دولت بنا شده است. ضمن اینکه در زمینه تولی‌گری و سیاست‌گذاری نیز برآیند عملکرد دولت در خصوص صنایع غذایی استان خراسان رضوی را منفی ارزیابی نموده و شواهدی ارائه کرده‌اند که گویای آن است که دولت با سیاستهای خود هم موجب افزایش هزینه‌های تولید شده و هم بستر افزایش واردات محصولات مشابه محصولات تولیدی داخل را فراهم آورده است. در این تحقیق نتیجه‌گیری شده که سیاستهای فعلی دولت در رابطه با صنایع غذایی باید متوقف گردیده و تغییر یابد و در این راستا دولت باید سیاستهایی از جمله ارائه تسهیلات بلند مدت، اصلاح فرآیندهای حمایتی به گونه‌ای که موجب کاهش هزینه مبادله گردد، واقعی شدن نرخ ارز و ضابطه‌مند شدن واردات را در دستور کار قرار دهد.

سادات باریکانی و همکاران (۱۳۹۱: ۱۰۵) نقش پیوندهای پسین و پیشین درون و بین بخشی را در توسعه سرمایه‌گذاری و رونق کسب و کار در صنایع غذایی موثر دانسته‌اند.

سهرابی‌ام‌آباد (۱۳۸۵) اثر سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی بر سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی را مثبت دانسته و ضرورت تخصیص اعتبارات بانکی برای گسترش صنایع تبدیلی کشاورزی و رونق کسب و کار در این حوزه را ضروری می‌داند.

کاهش ضایعات و زائدات کشاورزی نیاز به سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی و تکمیلی دارد؛ هرچند متأسفانه آمار دقیقی از مقدار ضایعات و زائدات بخش کشاورزی در دست نیست اما بسیاری از محققین میانگین ضایعات محصولات کشاورزی ایران را حدود ۳۰٪ اعلام کرده‌اند (شادان، ۱۳۸۶: ۵)؛ (رحمانی، ۱۳۸۵: ۲۰۴)؛ (صادقی شاهدانی و عبدالملکی، ۱۳۸۰: ۴۹) دفتر صنایع تبدیلی و تکمیلی وزارت جهاد کشاورزی نیز برای سال ۱۳۸۳ ضایعات محصولات باغی (که عمدتاً ضایعات پس از برداشت را شامل میشود) ۲۸٪ اعلام داشته؛ بعضی از پژوهشگران مجموع میزان ضایعات در مراحل کاشت، داشت، برداشت و پس از برداشت برخی از محصولات مثل لوبیا را رقم غیرقابل باور ۸۵٪ اعلام کرده‌اند (شادان، ۱۳۸۶: ۹).

احمدپور و همکاران (۱۳۸۴) معتقدند مشکلات و معضلات سرمایه‌گذاری در زیر بخش صنایع غذایی به گونه‌ای است که موجب گردیده قیمت بازار سهام گروه صنایع مواد غذایی و آشامیدنی از

هیچ الگوی علمی در بازار بورس اوراق بهادار تبعیت نکند. بدیهی است در صورت صحت این نتیجه‌گیری ریسک سرمایه‌گذاری در این گروه و عدم امکان پیش‌بینی منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در حدی است که نه تنها کمتر سرمایه‌گذاری تشویق به انجام سرمایه‌گذاری در این زیر بخش می‌گردد بلکه زمینه خروج و فرار سرمایه نیز فراهم می‌شود. آنها در تحقیق خود نشان داده‌اند بین بهای ارزش ذاتی سهام و متوسط قیمت بازار اختلاف معنی‌داری وجود دارد و قیمت بازار سهام شرکت‌های گروه صنایع مواد غذایی و آشامیدنی با عواید پیش‌بینی شده آینده آنها رابطه سیستماتیکی ندارد و در تعیین قیمت سهام این گروه نرخ بازده مورد انتظار سرمایه و دوره سرمایه‌گذاری عوامل تأثیرگذاری نیستند.

میر و دیگران (۱۳۸۳) نشان داده‌اند که دسترسی تولیدکنندگان به اعتبارات بانکی رابطه مثبت و معنی‌داری با توسعه سرمایه‌گذاری در صنایع غذایی در استان سیستان و بلوچستان و رونق کسب و کار در این منطقه دارد..

صامتی و فرامرزپور (۱۳۸۳) نرخ تورم و ارزش افزوده را مهمترین عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش کشاورزی و زیر بخشهای آن دانسته‌اند.

رجبی جهرودی (۱۳۸۲) معتقد است بخش قابل توجهی از تسهیلات اعطایی بانکی که برای فعالیت در صنایع غذایی پرداخت گردیده به دلیل سودآوری بالاتر در سایر فعالیتهای سرمایه‌گذاری در صنایع مذکور اختصاص نیافته و صرف سرمایه‌گذاریهای دیگری شده است.

محمودی و ولی‌بیگی (۱۳۸۰) اصلاح مقررات مالیاتی به نفع صنایع تبدیلی و تکمیلی و تسهیل و روان‌سازی ضوابط اعطای تسهیلات اعتباری بانکی به صنایع غذایی را برای جذب سرمایه‌گذاری در صنایع غذایی ضروری دانسته‌اند.

مبانی نظری:

گردش مالی محصولات فرآوری شده غذایی در جهان سالانه بالغ بر ۳ تریلیون دلار است. این رقم سه چهارم حجم تجارت بین‌المللی محصولات غذایی را تشکیل میدهد (ربوبنک، ۲۰۰۸). پیش-بینیهای جهانی و مطالعات پژوهشگران حاکی از آن است که تقاضا برای محصولات کشاورزی و غذایی فرآوری شده در تمام جهان به سرعت در حال افزایش است. وجود این تقاضا موجب گردیده

به سرمایه‌گذاری برای توسعه صنایع غذایی توجه فزاینده‌ای مبذول گردد؛ زیرا نحوه عملکرد صنایع غذایی و توسعه یافتگی یا عقب ماندگی آنها به شدت بر راهبردهای رشد اقتصادی، رونق کسب و کار، امنیت غذایی و فقرزدایی تأثیر می‌گذارد (ای داسیلوا و دیگران، ۲۰۰۹: ۱).

سهام اندک محصولات غذایی فرآوری شده در مقایسه با حجم کل تولید محصولات کشاورزی ایران و علاوه بر آن تعطیلی برخی از واحدهای صنایع غذایی و یا فعالیت کمتر از ظرفیت تولیدی بسیاری از واحدهای صنایع غذایی و تبدیلی و تکمیلی و در عین حال حجم قابل توجهی از واردات محصولات کشاورزی و غذایی همگی گویای ضرورت توجه به موضوع سرمایه‌گذاری در این عرصه و رفع چالشهای فرآوری آن است.

صنایع کشاورزی و غذایی آثار عمیق و همه‌جانبه‌ای بر وضعیت اقتصادی و تولیدی دارند. هنسون و جافی (۲۰۰۸) معتقدند تغییرات سریع در عرصه صنایع غذایی مبنای رقابت پذیری را تغییر می‌دهند و رقابت‌پذیری به طور فزاینده‌ای منوط به عواملی نظیر صرفه‌جوییهای مقیاس، کارآییهای پشتیبانی و لجستیکی، انطباق داشتن با استانداردهای دقیق و موشکافانه تولیدی و ظرفیت دستیابی به بازارهای جهانی از طریق ارائه تولیدات و محصولات ممتاز است که رونق کسب و کار را موجب می‌شود.

پیشروترین و پیشرفته‌ترین کشورهایی که نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادیشان بالاست کشورهایی هستند که یا توانسته‌اند با محصولات کشاورزی با ارزش افزوده بالا (که عموماً در صنایع غذایی و دارویی ایجاد می‌شوند) در بازارهای جهانی حضور یابند و یا دارای بازارهای داخلی بزرگی هستند که میتوانند محصولات فرآوری شده کشاورزی با ارزش افزوده بالا را جذب نمایند (کرانفیلد و همکاران، ۱۹۹۸).

در رابطه با صنایع فرآوری مواد غذایی یکی از تغییرات اساسی که در زنجیره عرضه و تقاضای این صنایع پدید آمده نقش فزاینده‌ای است که نوع محصولات به لحاظ کیفیت، درجه‌بندی محصول و استانداردها با آن مواجه‌اند و علی‌الخصوص شرکتها و برندهای مشهور و مسلط بر بازار از کیفیت ویژه محصولاتشان به عنوان ابزاری برای حفظ تمایز و جایگاهشان در بازار استفاده می‌کنند (رایکس و همکاران، ۲۰۰۰).

بوش و بین (۲۰۰۴) معتقدند که نه تنها آنها بلکه اغلب محققین به این جمع‌بندی رسیده‌اند که سهم شرکتها و تولیدکنندگان از بازار محصولات صنایع غذایی در هزاره سوم بر اساس کیفیت محصول و رقابت در کیفیت تعیین می‌شود و رقابت در قیمت از ضریب اهمیت کمتری برخوردار است. کیفیت تولید این صنایع اولاً وابسته به کیفیت مواد خام مورد استفاده‌شان و ثانیاً به فناوری که در فرایند تولید از آن بهره می‌گیرند وابسته است و چنانچه این عوامل نادیده گرفته شوند این شرکتها و تولید کنندگان سهم خود را از بازار کسب و کار از دست می‌دهند.

مطالعات و بررسیها:

در مورد رابطه بین سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی نظرات متضادی وجود دارد. برخی معتقدند سرمایه‌گذاری دولتی زمینه ساز توسعه سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی است و نقش کاهنده ریسک و اطمینان آفرین را ایفا می‌نماید. درحالیکه گروه دیگری اعتقاد دارند سرمایه‌گذاری دولتی رقیب سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی است و نقش بازدارنده در توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را ایفا می‌کند. کازرونی و ابقایی (۱۳۸۷) باقری و ترکمانی (۱۳۷۹) و هژبرکیانی و علیزاده (۱۳۷۹) به گروه اول گرایش دارند و طاهری و همکاران (۱۳۸۷) مدافع دیدگاه دوم هستند. اما قطع نظر از نوع رابطه بین سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی، آنچه در مطالعه حاضر به عنوان یک نقیصه و خلاء محرز گردید این است

که هر چند سرمایه‌گذاری در صنایع غذایی عمدتاً توسط بخش غیر دولتی صورت می‌پذیرد اما در آمار رسمی سرمایه‌گذاریهای بخشهای کشاورزی و صنعت ایران نه تنها جایگاه صنایع غذایی به طور خاص روشن نیست بلکه در خصوص تفکیک سرمایه‌گذاریهای خصوصی و دولتی نیز اطلاعاتی وجود ندارد. این امر موجب گردیده که محققین مجبور شوند خودشان مقدار سرمایه بخش خصوصی و بخش دولتی را برآورد نمایند (اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۲: ۱۰۲). شاکری و موسوی (۱۳۸۲)؛ باقری و ترکمانی (۱۳۷۹) و مهرگان (۱۳۷۶) سرمایه‌گذاری ثابت دولت را از کل سرمایه‌گذاری کم کرده و حاصل آنرا سرمایه‌گذاری بخش خصوصی قلمداد کرده‌اند.

صنایع غذایی به جهت اینکه نقش واسط را بین تولید مواد خام اولیه و مصرف نهایی ایفا می‌کنند از پیوندهای پسین و پیشین گسترده‌ای برخوردار هستند. برای رونق هر چه بیشتر کسب و کار باید توسعه فعالیت‌هایی که از پیوندهای پسین و پیشین بیشتری برخوردارند در اولویت برنامه‌های توسعه- ای قرار گیرند. این موضوع آنقدر مهم است که راس موسن با استفاده از روش تحلیلی داده - ستانده ؛ جونز از طریق محاسبه معکوس تولیدات ؛ ساداریانتو و ریس و روا نیز بر اساس روش تحلیلی داده- ستانده پیوندهای پسین و پیشین را محاسبه نموده‌اند تا بتوانند اولویت‌های مرتبط با کسب و کار را تعیین نمایند. در ایران نیز مطالعاتی برای اندازه‌گیری پیوندهای پسین و پیشین صورت گرفته است . بیدآباد (۱۳۸۳) ، محمودی و همکاران (۱۳۸۴) ، بانویی و همکاران (۱۳۸۶) ، سادات باریکانی و همکاران (۱۳۹۱) غالباً از طریق ماتریس معکوس لئون تیف این محاسبات را انجام داده‌اند و همگی نشان داده‌اند که صنایع غذایی در مقایسه با سایر فعالیت‌های بخش کشاورزی از پیوندهای پسین و پیشین قوی‌تر و در نتیجه از اثر ماشه‌ای و ضریب تکاثر بالایی در توسعه فضای کسب و کار برخوردارند.

آمارهای جهانی سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) هم نشان می‌دهد صنایع کشاورزی در سال ۲۰۱۴ جایگاه اول تولید ارزش افزوده در جهان را دارا بوده و در سال ۱۹۹۵ نیز فقط رشته فعالیت صنایع غذایی و آشامیدنی (کد ایسیک ۱۵) با در اختیار داشتن ۱۱/۸ درصد سهم از کل ارزش افزوده رشته فعالیت‌های صنعتی در جایگاه اول جهان قرار داشته در حالیکه صنایع شیمیایی با ۱۰ درصد و صنایع ماشین سازی با ۸/۵ درصد در رتبه‌های دوم و سوم بوده‌اند. در ایران نیز سهم ارزش افزوده صنایع غذایی و آشامیدنی (البته کارگاه‌های بالای ۱۰ نفر شاغل) از ارزش افزوده کل صنعت در سال ۱۳۸۹ به ۹/۳ درصد که بالغ بر ۷۵ هزار میلیارد ریال بوده است که برآورد می‌شود با احتساب کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر به بیش از ۱۵٪ می‌رسد. ارزش افزوده صنایع غذایی و آشامیدنی در سال ۱۳۸۹ در ایران ۳۱ برابر ارزش افزوده‌ای بوده که صنایع تولید رادیو و تلویزیون و وسایل ارتباطی ایجاد کرده‌اند. در همین سال در بین زیر گروه‌های صنایع غذایی بیشترین سهم از ارزش افزوده با ۲۲٪ به لبنیات تعلق داشته و پس از آن به ترتیب میوه و سبزیجات ۱۶٪، گوشت و فرآورده‌های پروتئینی ۱۴٪، روغن‌های خوراکی ۱۱٪، شیرین کننده‌ها ۱۱٪، شیرینی و شکلات ۱۰٪،

غلات و حبوبات ۸٪ و نوشیدنیها هم ۸٪ را به خود اختصاص داده‌اند. ۱۵/۱ درصد از کل شاغلان بخشهای تولیدی و اقتصادی کشور در صنایع غذایی و آشامیدنی اشتغال دارند و ارزش افزوده صنایع غذایی و آشامیدنی رتبه پنجم را در میان بخشهای صنعتی و تولیدی کشور داراست. از ۱۴۹۶۲ کارگاه صنعتی با ۱۰ نفر کارکن و بالاتر کشور در سال ۱۳۹۰، ۱۸/۳ درصد به صنایع غذایی و آشامیدنی اختصاص داشته است (فاطمی امین و مرتضایی، ۱۳۹۲: ۳۹-۳۷).

آمار بانک مرکزی هم گویای آن است که کاهش سهم کشاورزی در ارزش افزوده در فاصله سالهای ۹۱-۱۳۳۸ به ۵۳/۶٪ عمدتاً به صنعت اخصاص یافته که از ۱۳ به ۲۴/۹ درصد افزایش یافته و بخش عمده‌ای از این افزایش مربوط به صنایع کشاورزی و غذایی است (بانک مرکزی ج.ا.ایران، ۱۳۹۳ ت).

در ایران هم مثل سایر کشورهای در حال توسعه ساختار صنایع غذایی به گونه‌ای است که فعالیت این صنایع در دو بخش رسمی و غیر رسمی صورت می‌پذیرد. به عنوان مثال کارگاههای کوچک و سنتی پنیر سازی و تولید فرآورده‌های لبنی در کنار کارخانجات بزرگ محصولات لبنی و یا کارگاههای کوچک و سنتی استخراج عصاره‌های گیاهی و تولید عرقیات در جوار کارخانجات مدرن تولید عرقیات با ظرفیتهای تولیدی بالا و... مشغول فعالیت هستند. در بخش صنایع غذایی کشورهای در حال توسعه بیشترین سهم از تولید را بخش غیر رسمی و کارگاههای کوچک صنایع تبدیلی در اختیار دارند و شیوه اصلی تولید اساساً "غیر رسمی" است و بخش رسمی سهم اندکی از تولید صنایع غذایی را دارد. از اینرو بخش اعظم مواد خام زراعی، باغی، دامی و شیلاتی در این کشورها و از جمله در ایران در بخش غیر رسمی جذب میشوند و به همین دلیل سهم عمده‌ای از بازار کسب و کار، اشتغال و ارزش افزوده ایجاد شده مربوط به بخش غیر رسمی است.

هرچه درجه توسعه یافتگی کشور و یا توسعه یافتگی بخشی از صنایع کشاورزی و غذایی افزایش یابد سهم بخش رسمی از فرآوری محصولات کشاورزی مربوطه افزایش یافته و در مقابل از سهم بخش غیر رسمی کاسته میشود. علیرغم اینکه موضوع سرمایه‌گذاری در صنایع غذایی و کسب و کار وابسته به آن در هر دو بخش رسمی و غیر رسمی از اهمیت فراوانی برخوردار است اما با توجه به تعریف واحدهای تولیدی توسط مرکز آمار ایران که صرفاً کارگاههای با ۱۰ نفر شاغل به بالا را

شامل می‌شود بخش غیر رسمی تولید که در کارگاه‌های کوچک با شاغلینی کمتر از ۱۰ نفر صورت می‌پذیرد عملاً مغفول مانده و آمار قابل اتکایی از آنها در ایران وجود ندارد.

موضوع مهمی که مورد تأکید صاحب‌نظران اقتصادی و صنایع غذایی است و افرادی همچون ورلی و فاکس (۲۰۰۴) و ای.داسیلوا و همکاران (۲۰۰۹) آنرا مورد توجه قرار داده‌اند این است که هرچند زنجیره ارزشی که متکی بر تولیدکنندگان خرد و متشکل از فرآوری‌کنندگان خرده‌پا باشد میتواند موجبات رونق کسب و کار صنایع غذایی را موجب گردد اما با این حال دلایل زیادی وجود دارند که باعث میشوند شرکتهای متوسط و بزرگ (که بازار عمدتاً در اختیار آنهاست) با عرضه‌کنندگان و تأمین‌کنندگان خرده‌پا کار نکنند.

براساس آمار سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران (جدول ۱) تعداد کل واحدهای صنعتی با بیش از ۱۰ نفر شاغل ۱۴۹۶۲ واحد است. تعداد ۲۷۴۲ واحد از واحدهای صنعتی مذکور تحت کد ۱۵ آیسیک که مربوط به صنایع مواد غذایی و آشامیدنی است طبقه‌بندی شده‌اند و ۱۸۷۷۲۲ نفر در آنها مستقیماً به کار اشتغال دارند.

دفتر صنایع کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی در سال ۱۳۹۳ بر اساس موافقت‌های صادره برای جواز تأسیس و پروانه بهره‌برداری تعداد واحدهای صنایع مواد غذایی و آشامیدنی (کد ۱۵) که کارکنان آنها زیر ۱۰ نفر می‌باشند را ۷۹۸۸ واحد اعلام داشته که برخی از آنها هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده‌اند. اگرچه به جهت انحراف معیارهای متعدد آمار مذکور نمی‌تواند قابل اتکا باشد؛ اما همانگونه که اشاره شد بخش اعظم تولید در بخش غیر رسمی و کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر شاغل انجام میشود که هم به جهت صرفه‌جویی‌های مقیاس و هم به لحاظ ساختار بازار تولید و فروش خود نیازمند توسعه سرمایه‌گذاری هستند

جدول ۱- تعداد واحدها و شاغلین فعال تحت کد ایسیک ۱۵ و زیرکدهای آن

کد آیسیک	نوع فعالیت	تعداد واحد	تعداد شاغلین
۱۵	صنایع مواد غذایی و آشامیدنی	۲۷۴۲	۱۸۷۷۲۲ نفر
۱۵۱	تولید و عمل آوری و حفاظت گوشت، ماهی، میوه، سبزی، روغن و چربی از فساد	۸۲۰	۵۳۷۶۷ نفر
۱۵۲	تولید فرآورده های لبنی	۳۱۷	۳۳۵۰۹ نفر
۱۵۳	تولید محصولات از دانه های آسیاب شده و آرذسازی و نشاسته و خوراک دام و غذاهای حیوانات	۴۶۴	۱۵۶۹۴ نفر
۱۵۴	تولید سایر محصولات غذایی	۱۰۱۸	۷۱۵۴۶ نفر
۱۵۵	تولید انواع آشامیدنی	۱۲۳	۱۳۲۰۶ نفر

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳، ۱۰:۱.

علیرغم نیاز صنایع غذایی و آشامیدنی به توسعه سرمایه گذاری؛ نه تنها سرمایه گذاری در این زیر بخش از توسعه لازم برخوردار نیست بلکه در دهه اخیر کاهش و خروج سرمایه گذاریهای موجود نیز اتفاق افتاده که مهمترین عامل آن نرخ بالاتر بازده سرمایه در سایر بخشها بوده است. همانگونه که جدول ۲ نشان می دهد پس از روند افزایشی تعداد کارگاهها در بازه زمانی ۸۶-۱۳۸۱ روند سرمایه گذاری در صنایع غذایی کاهش یافته و از تعداد کارگاهها تا سال ۱۳۹۱ مستمراً کاسته شده است. بررسیهای مطالعه حاضر نشان می دهد این کاهش تا سال ۹۳ همچنان تداوم داشته و اگر چه تعداد شاغلین کارگاههای مذکور روند کاهشی مستمر و شدیدی را نشان نمی دهد اما عدم رشد تعداد شاغلین گویای آسیب دیدن بازار کسب و کار در این حوزه است.

جدول ۲- تعداد و شاغلین کارگاه‌های صنایع غذایی و آشامیدنی بالاتر از ۱۰ نفر طی سالهای

۹۰- ۱۳۸۱

۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
۳۷۴۲	۳۷۵۷	۳۸۸۴	۳۰۱۵	۳۱۶۷	۳۷۰۶	۳۶۸۱	۳۶۸۱	۳۷۰۰	۳۵۲۵	تعداد کارگاه
۱۸۷۷۲	۱۹۱۰۵۵	۱۸۵۳۴۲	۱۹۳۳۰۶	۱۷۰۵۹۱	۱۶۵۰۷۵	۱۷۵۷۱۵	۱۶۳۳۳۲	۱۶۱۵۰۵	۱۵۱۵۲۰	تعداد شاغلین

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳: ۱۲.

اغلب محققین و صاحب‌نظران هم در بخش کشاورزی و هم در بخش صنعت یکی از معضلات صنایع تبدیلی، تکمیلی و غذایی را کمبود سرمایه‌گذاری میدانند (ابادری و حسینی یکانی؛ ۱۳۹۳: ۱۸۱). کلاتری و همکاران (۱۳۸۹: ۲۹) عامل سرمایه‌گذاری و حمایت‌های مالی و بانکی را با سهمی معادل ۷۱/۳٪ مهمترین عامل پیش‌برنده برای ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی و رونق کسب و کار در استان خراسان شمالی ذکر کرده‌اند. علاوه بر مطالعات و تحقیقات فوق‌الذکر برنامه‌های توسعه کشور نیز این نقیصه را صریحاً مورد تأیید قرار داده‌اند.

مضافاً اینکه سرمایه‌گذاری در زمینه صنایع غذایی و آشامیدنی صرفاً منحصر به احداث تأسیسات و ابنیه و ماشین‌آلات نیست بلکه سرمایه در گردش برای تأمین نهاده‌های اولیه، ایجاد نظام فروش و بازاریابی و تبلیغات، تعویق و یا عدم وصول برخی از مطالبات، هزینه‌های جاری اجتناب‌ناپذیر (که متأسفانه در دهه اخیر بعضاً مرتباً به زیان بخش تولید افزایش یافته مثل هزینه تهیه مواد اولیه، افزایش نرخ ارز، مالیات بر ارزش افزوده، تحمیل هزینه‌ها و عوارض گوناگون داخلی و صادراتی، نرخ بالای هزینه‌های مالی هم در بانکها و هم در بازار غیر رسمی خارج از بانک، هزینه‌های تحمیلی ناشی از فساد نظام اداری اجرایی و قضایی و...) بخش اعظمی از نیازهای واحدهای تولیدی به سرمایه و توسعه کسب و کار را تشکیل میدهند.

توزیع استانی صنایع غذایی و آشامیدنی نیز به شدت نامتوازن و تمرکزگراست و بر اساس نظریه مرکز پیرامون موجب شده رونق بازارهای کسب و کار در استانهای مختلف از شدت و ضعف برخوردار شوند. در حالی که استان خراسان رضوی با ۲۴۲ کارگاه (۸/۸۳ درصد) در صدر استانهای کشور قرار دارد، استان سیستان و بلوچستان با ۱۸ کارگاه (۰/۶۶ درصد) در رتبه آخر قرار می‌گیرد، همچنین علیرغم اینکه استان تهران از نظر تعداد کارگاه در رده دوم قرار دارد (۲۳۴ کارگاه) ولی از نظر تعداد شاغلان (۱۴/۵ درصد) و ارزش افزوده (۱۶/۳۸ درصد) جایگاه نخست کشور را در اختیار دارد (بهبود نسب ۱۳۹۳ ص ۱۶).

گزارش بانک جهانی حاکی از آن است که طی سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ حدود ۲٪ از جمعیت ایران روزانه درآمدی کمتر از ۱/۲۵ دلار داشته و حدود ۸/۳ درصد از جمعیت ایران در سال ۱۳۷۷ روزانه کمتر از ۲ دلار درآمد داشته‌اند که این رقم در سال ۱۳۸۴ با ۰/۳ درصد کاهش به ۸ درصد رسیده است (بانک جهانی، ۲۰۱۴: ۲۱-۲).

نکته مهمی که در این رابطه وجود دارد این است که بر اساس همین گزارش تعداد افراد با درآمد روزانه کمتر از ۱/۲۵ دلار در گروه کشورهای کم درآمد یا با درآمد متوسط از ۴۳/۱ درصد در سال ۱۳۷۷ به ۲۰/۶ درصد در سال ۲۰۱۰ رسیده که کاهشی بیش از ۵۰٪ را نشان می‌دهد. در کنار عوامل دیگر بخش اعظمی از این دستاورد جهانی (که البته بخش عمده‌ای از آن در چین و هند تحقق یافته) مدیون توسعه صنایع کشاورزی و به ویژه صنایع غذایی است. این ارقام بیانگر ظرفیت نهفته صنایع غذایی در کاهش فقر و رونق کسب و کار در ایران میباشد و تقویت سرمایه‌گذاری در این زمینه میتواند این ظرفیت را فعال سازد. ضمن اینکه در گزارش سال ۲۰۱۳ بانک جهانی از شاخص فضای کلی کسب و کار جایگاه ۱۴۵ به ایران اختصاص داده شده که بدترین جایگاه در میان کشورهای خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز است و دلیل عمده آن ناشی از نیز پس از آثار تحریمهای اقتصادی نقش بالای دولت در اقتصاد است (موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۹۲: ۲۲).

علاوه بر دیدگاه بانک جهانی و صاحب‌نظران داخلی، موسسه هریتیج نیز در گزارش سال ۲۰۱۳ خود حاکمیت مطلق دولت بر فعالیتهای اقتصادی ایران را مورد تأیید قرار داده و اعلام داشته از بین

۱۷۷ کشوری که بر اساس محاسبه ۵۰ متغیر اقتصادی، شاخص درجه آزادی اقتصادی آنها را اندازه گیری نموده ایران در جایگاه ۱۶۸ قرار دارد (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۲: ۸). این شرایط موجب می‌گردد که بسیاری از فعالیتهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری که دولت صحنه‌گردان اصلی آنها در اقتصاد ایران است بدون توجه به شرایط رقابت کامل صورت پذیرد و عملکرد بنگاههایی که در چارچوب رقابت‌پذیری و اصول بازار رقابتی فعالیت میکنند به طور منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. جایگاه ایران از نظر مجمع جهانی اقتصاد که در سال ۲۰۱۳ برخی از شاخصهای مهم تأثیرگذار بر رونق کسب و کار را برای ۱۴۴ کشور محاسبه کرده به شرح ذیل است:

جدول ۳- رتبه ایران در برخی از شاخصهای منتخب کسب و کار در جهان

رتبه ایران	شاخص
۱۳۰	حمایت از سرمایه‌گذار
۱۰۵	کارآمدی هیأت مدیره شرکتها
۱۴۱	سهولت دسترسی بنگاههای اقتصادی به وام
۱۴۲	نرخ تورم
۱۱۳	گستره بازار سازی
۱۳۴	گستره آموزش کارکنان
۶۲	رواج رشوه در نظام اداری

ماخذ: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۹۲: ۸-۲.

یکی از مهمترین عواملی که بازار کسب و کار در ایران را سالهاست تحت تأثیر خود قرار داده نرخ بالای تورم است. در ۳۰ ساله اخیر نرخ تورم همواره بر نرخ سود سپرده‌های بانکی پیشی داشته و این امر عملاً تنبیه پس‌اندازکنندگان و زیان برخی از سرمایه‌گذاران را به دنبال داشته و موجبات رشد سفته بازی و فرار سرمایه‌ها از بخش تولید را فراهم آورده است. صنایع غذایی نیز از این تأثیرپذیری مستثنی نبوده و شرکتهای فعال در عرصه صنایع غذایی نیز همچون بسیاری از بانکها و شرکتهای سرمایه‌گذاری در پی کسب سود بیشتر و جلوگیری از ضرر و زیان؛ حتی سرمایه‌های

موجود خود را به سمت سفته بازی، ملک و ساختمان، سکه و ارز سوق داده‌اند. در چنین شرایطی طبیعی است که سرمایه‌های جدید کمتر جذب فعالیتهای تولیدی و از جمله صنایع غذایی گردند. بر همین اساس رفتار سرمایه‌گذاران با توجه به مدلهای تصمیم‌گیری چند شاخصه^۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بازده دارایی متغیر مهمی برای مقایسه ارزش سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای مختلف است. هر چه بازده دارایی در یک رشته فعالیت بیشتر باشد به معنی مزیت آن فعالیت برای توسعه سرمایه‌گذاری می‌باشد. بر اساس رتبه بندی انجام شده برای بخش صنعت در سال ۱۳۸۹ توسط سازمان مدیریت صنعتی، صنایع غذایی با بازده دارایی ۸/۰۱ درصد در رتبه ۱۱ قرار داشته‌اند و نسبت به بازده دارایی بالاترین رتبه که ۲۲/۱۷ و متعلق به گروه فلزات اساسی بوده فاصله زیادی دارد (فاطمی امین و مرتضایی، ۱۳۹۲: ۴۱). به عبارت دیگر بازده دارایی در گروه فلزات اساسی ۲/۷ برابر بیشتر از بازده دارایی در گروه صنایع غذایی است و این وضعیت موجب کاهش جاذبه سرمایه‌گذاری در این گروه شده است.

در کنار فضای عمومی اقتصادی کشور و عوامل کلی مربوط به محیط کسب و کار؛ هر یک از صنایع غذایی در رابطه با موضوع سرمایه‌گذاری با مسائل و مشکلات خاص خود مواجه می‌باشند که بعضاً قابل تعمیم به صنایع غذایی دیگر نیستند. مثلاً نوع مسائل مربوط به سرمایه‌گذاری در صنایع روغن نباتی به جهت وابستگی بیش از ۸۰٪ مواد اولیه مصرفی این صنایع به واردات کاملاً با ماهیت مسائل سرمایه‌گذاری که صنایع لبنی یا آبمیوه با آن مواجه هستند متفاوت است. همچنین برخی از مسائل و مشکلات واحدهای کوچک مقیاس با واحدهای تولیدی بزرگ (که هر دو نوع آنها در صنایع غذایی فعال هستند) با یکدیگر مشابه نیستند. از اینرو، اگر چه معضلات و مشکلات عام و مشترکی در زمینه سرمایه‌گذاری گریبانگیر صنایع غذایی است؛ اما به لحاظ ویژگیهای خاص هر یک از صنایع مذکور نقش و نوع سرمایه‌گذاری در بازار کسب و کار آنها با یکدیگر متفاوت است. نیاز به سرمایه برای رونق بازار کسب و کار در صنایع غذایی در چهار عنوان اصلی ذیل قابل طبقه‌بندی است:

¹ Multiple Attribute Decision Making

الف- سرمایه‌گذاری اولیه برای مطالعه، احداث و راه‌اندازی واحد تولیدی.

ب - سرمایه در گردش برای تأمین مواد اولیه تولید، بسته‌بندی، حقوق و دستمزد، و سایر هزینه‌های جاری.

ج - سرمایه لازم برای بازاریابی، توزیع و فروش.

د - سرمایه مورد نیاز برای تحقیق و توسعه.

سرمایه‌گذاری در هر یک از چهار بخش مذکور و برای صنایع غذایی مختلف مسائل و نیازها و موانع خاص خود را دارد. بسیاری از محصولات کشاورزی به صورت فصلی تولید شده و صنایع مربوطه در یک فصل خاص با حجم انبوهی از مواد اولیه که بعضاً فساد پذیر بوده و باید سریعاً جذب گردیده و حفظ، نگهداری و فرآوری شوند (مثل صنایع کنسرو و کمپوت میوه‌جات، کنسانتره، آبمیوه، رب گوجه فرنگی، روغن کنسرو) مواجه‌اند. اما بازار مصرف آنها در طول سال توزیع می‌شود و از اینرو علاوه بر اینکه بخش عمده‌ای از ماشین‌آلات آنها (یعنی بخشی از سرمایه) مدت زمان طولانی بلا استفاده می‌ماند بخش دیگری از سرمایه در قالب محصول تولید شده تا زمان فروش در بازار و یا مواد اولیه انبار شده نیز عملاً از چرخه کسب و کار خارج شده و هزینه خواب سرمایه و انبارداری مضاعف را به سرمایه‌گذار تحمیل می‌کنند که موجب افزایش هزینه تولید و کاهش رقابت‌پذیری صنایع مذکور می‌گردد. از اینرو ارائه تسهیلات متناسب بانکی به این گروه از صنایع غذایی عمده‌ترین حلقه مفقوده آنها برای رونق کسب و کارشان است. اما بخش دیگری از محصولات کشاورزی (مثل شیر) علیرغم فسادپذیری بالا به جهت عرضه مستمر مواد اولیه در طول سال با این مشکل مواجه نیستند اما مشخص نبودن سیاست‌های مداخلات قیمتی دولت و پرداخت یارانه تولید، افزایش مستمر قیمت شیر خام، کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده در طی سه سال اخیر (۹۴-۹۰) و نهایتاً ایجاد مشکل تقاضا در بازار مصرف محیط کسب و کار آنها را با مخاطره جدی مواجه نموده است.

گروه دیگری از محصولات کشاورزی (مثل غلات، حبوبات و دانه‌های روغنی) که قابلیت نگهداری سهل‌تر و طولانی مدت‌تری را دارند و صنایع مربوطه آنها از جمله آرد و نان، روغن کنسرو و کنجاله، تولید خوراک دام و طیور، صنایع غذایی و کنسروهای آماده با مسائل خاص خود از قبیل

واردات حجیم و تحت حمایت دولت در خصوص گندم، جو، برنج، دانه‌های روغنی، شکر و کنترل قیمت در بازار داخلی مواجه‌اند که موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی و غذایی مربوطه می‌شود.

مشکلات زیر ساختی مربوط به ساختار بازرگانی کشور که عمدتاً منطبق و متناسب با واردات است و کمتر برای صادرات طراحی گردیده نیز مسئله جدی دیگری است که صنایع غذایی با آن مواجه می‌باشند و این امر موجب تحدید صادرات محصولات صنایع غذایی (که یکی از راه‌للهای اساسی حل مشکلات سرمایه‌گذاری در این صنایع و افزایش توان رقابت‌پذیری و کاهش هزینه‌های آنها می‌باشد) شده است. این معضل که مشکلی چند ده ساله در ایران است در سالهای اخیر با تحمیل تحریمهای اقتصادی و موانع ایجاد شده در روابط بانکی خارجی تشدید گردیده است.

علاوه بر موارد فوق به دلیل تسلط مالکیت غیر خصوصی در اقتصاد ایران (که البته مختص صنایع غذایی نیست و در کلیه فعالیتهای اقتصادی شمولیت دارد) بسیاری از صنایع غذایی بزرگ و متوسط تحت مدیریتهای ناکارآمد دولتی یا شبه دولتی (نظیر بانکها، صندوقهای بازنشستگی، سازمانهای وابسته به ارگانهای نظامی و انتظامی، موسسات مذهبی از قبیل آستانهای مقدس رضوی، حضرت عبدالعظیم، شاهچراغ، اوقاف و امور خیریه، بنیادهای مستضعفان، جانبازان، شهید، کمیته امداد و...) قرار دارند که در بسیاری از مسئولیتهای تولیدی، بازرگانی و اقتصادی آنها از افراد فاقد صلاحیت حرفه‌ای و تخصصی لازم استفاده می‌شود. این نحوه مدیریت خود مانع اساسی و بزرگی بر سر راه بهره‌برداری بهینه از سرمایه‌گذاریهای موجود بوده و انحرافات را نیز در مسیر سرمایه‌گذاریهای صحیح ایجاد نموده که اولاً موجب کاهش بهره‌وری سرمایه و ثانیاً در برخی موارد باعث اتلاف و ضایع شدن سرمایه‌گذاریها شده است.

یافته‌ها:

- کمبود سرمایه‌گذاری در هر دو بخش دولتی و خصوصی در زمینه صنایع غذایی و عدم توازن منطقی در زنجیره سرمایه‌گذاریهای مکمل موجب کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه تولید صنایع غذایی شده است. پیش‌بینی میشود در برنامه پنجم توسعه نیز صنایع غذایی به اهداف ترسیم شده دست نخواهند یافت.

- بررسیهای انجام شده نشان داد که در زمینه تحقیقات سرمایه‌گذاری در صنایع کشاورزی و غذایی خلاء جدی و عمیقی وجود دارد. اغلب پژوهشهای انجام شده در موضوع سرمایه‌گذاری مربوط به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی که عمدتاً معطوف به تولید مواد اولیه کشاورزی و امور زیر ساختی بخش کشاورزی می‌باشد شکل گرفته است. تحقیقات صنایع غذایی و کشاورزی نیز عمدتاً راجع به کلیه مسائل و مشکلات یک واحد تولیدی یا شرکت خاص می‌باشد و تقریباً میتوان گفت موضوع سرمایه‌گذاری در یک صنعت غذایی خاص مغفول مانده است.

- منابع اعتباری تصویری برای صنایع غذایی اعم از بودجه‌های دولتی و اعتبارات بانکی (حداقل در دوده اخیر) به طور کامل و صد در صد اختصاص نیافته و با توجه به اینکه در زمان تصویب بودجه نیز به دلیل محدودیت منابع، مقدار بودجه و اعتبارات مصوب معمولاً کمتر از مقدار نیاز است، از اینرو عدم تخصیص اعتبارات و بودجه مصوب مشکلات این صنایع را مضاعف نموده و موجب شده منابع اعتباری تخصیصی نیز صرف هزینه‌ها و امور جاری شود و توسعه سرمایه‌گذاری و انجام اقدامات زیرساختی هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی در حد برنامه‌های پیش‌بینی شده محقق نشود.

- به دلیل نرخ بالای تورم، سیاستهای ناپایدار صادراتی و وارداتی و تعرفه‌ای، مشکلات ناشی از تحریمهای اقتصادی، دشواری مبادلات بانکی بین‌المللی، عدم استفاده از فناوریهای نوین در برخی از رشته‌های فعالیتهای صنایع غذایی و همچنین عدم ایفای به موقع تعهدات دولت هزینه ریسک سرمایه‌گذاری در صنایع غذایی بالاست. با توجه به عدم بهره‌وری مورد انتظار از سرمایه‌گذاریهای موجود، توسعه سرمایه‌گذاری لازم نیز به شکل منفی تحت تأثیر قرار گرفته که این امر کاهش رونق کسب و کار را در پی داشته است.

- بررسی بلند مدت نرخ مبادله نشان می‌دهد که حداقل در سه دهه اخیر نرخ مبادله به زیان بخش کشاورزی بوده و این امر در بلند مدت صنایع غذایی را به طور منفی تحت تأثیر قرار داده است. راهبردهای کنونی (که بسیاری از آنها سالهاست دنبال می‌شوند) عملاً اثبات نموده‌اند که توان تغییر این وضعیت و تحریک رونق کسب و کار را ندارند.
- نظام مالیاتی علاوه بر اینکه رسالت تأمین هزینه‌های عمومی و توسعه‌ای کشور را بر عهده دارد باید نقش خود را در جهت هدایت تولید و سرمایه‌های اقتصادی و انسانی به سمت اولویتهای اساسی اقتصادی، اجتماعی و حتی زیست محیطی ایفا کند. اما نظام مالیاتی مبتنی بر ارزش افزوده در ایران فاقد ویژگی جهت‌دهی فعالیتها در راستای حمایت از صنایع غذایی داخلی است و نسبت به امنیت غذایی، اقتصاد مقاومتی و توسعه صادرات در این راستا بی‌تفاوت است.
- از واحدهای تولیدی کوچک مقیاس صنایع غذایی آمار دقیق و قابل اتکایی در آمارهای مراکز رسمی آماری (مرکز آمار ایران، وزارت صنعت، معدن و تجارت، بانک مرکزی، وزارت جهاد کشاورزی) وجود ندارد. آمارهای موجود نیز با یکدیگر تناقضات فاحشی دارند و این حوزه با اغتشاش آماری جدی مواجه است که موجب گردیده ریسک سرمایه‌گذاری در این زیربخش بالا رود.
- بنا به دلایل متعدد ساختاری اقتصادی هزینه‌های مالی بنگاهها و شرکتهای صنایع غذایی و هزینه‌های فرصت آنها بسیار بالاست و در نتیجه هزینه تمام شده این واحدهای تولیدی افزایش یافته و قدرت رقابت‌پذیری آنها به طور منفی تحت تأثیر قرار گرفته است.
- موانع اساسی بازدارنده‌ای بر سر راه صادرات محصولات صنایع غذایی وجود دارند که تأثیر منفی بر رونق کسب و کار داشته‌اند. این عوامل عمدتاً عبارتند از عدم برخورداری از استانداردهای تولیدی و بهداشتی لازم به ویژه در خصوص مواد اولیه مصرفی؛ ناپایداری در صادرات مستمر محصول مورد تقاضای بازارهای خارجی به دلیل محدودیتهای صادراتی برای پاسخگویی به نیاز داخلی که موجب تغییر منابع تأمین توسط واردکنندگان خارجی به غیر ایرانی میشود؛ موانع ناشی از تحریمهای اقتصادی و بانکی و تبادلات ارزی؛ ضعف در بازاریابی خارجی توسط تولیدکنندگان صنایع غذایی.

- اتکای مفرط صاحبان صنایع غذایی به بازار سرمایه و بازار مصرف داخلی و عدم سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه‌گذاران خارجی که منجر به حضور بسیار کم‌رنگ و انگشت شمار سرمایه‌گذاران خارجی در صنایع غذایی ایران گردیده است. مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی می‌تواند نقش مهمی را در تأمین سرمایه، انتقال تکنولوژی، تأمین بازار خارجی برای محصولات تولیدی صنایع غذایی و توسعه بازار ایفا نماید.

- سلطه مالکیت غیر خصوصی در اقتصاد ایران بسیاری از صنایع غذایی بزرگ و متوسط را تحت مدیریتهای ناکارآمد و بی‌ثبات قرار داده که موجب رکود کسب و کار، اتلاف منابع، وارد شدن ضرر و زیانهای مکرر بر منابع تولیدی و سرمایه‌ای، کاهش بهره‌وری و از دست دادن بازار شده‌اند.

- بسیاری از صنایع غذایی برای تأمین سرمایه در گردش خود نیازمند تسهیلات ارزان قیمت بانکی هستند که با توجه به نرخ بالای تورم و در نتیجه نرخ بالای سود تسهیلات عملاً دریافت سرمایه مذکور برای آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد. بسیاری از مجوزها، موافقتنامه‌ها و معرفی نامه‌های صادره برای دریافت تسهیلات توسط صاحبان شرکتها و صنایع غذایی خصوصی یا به نتیجه نمی‌رسند و یا در موقع مناسب خود نمی‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

با توجه به ماهیت مسائلی که کسب و کار صنایع غذایی با آنها مواجه هستند راهکارهای متنوعی در قالبهای کلان و خرد باید در دستور کار قرار گیرند:

- سرمایه‌گذاری زیر ساختی دولت در کلیه زمینه‌ها باید لااقل بر اساس برنامه‌های توسعه‌ای پنج ساله و بودجه‌های سالیانه مصوب محقق و اجرا گردد. عدم تخصیص بودجه‌های سرمایه‌ای و توسعه‌ای مصوب موجب افزایش هزینه‌های جاری صنایع غذایی و کاهش بهره‌وری آنها شده و بر رونق بازار کسب و کار اثر منفی دارد.
- بازار خارجی بخش مهمی از بازار صنایع غذایی ایران را تشکیل می‌دهند؛ از اینرو این نکته که بازار خارجی نیز به اندازه بازار داخلی (و حتی در برخی موارد بیشتر از بازار داخلی) برای صاحبان و سرمایه‌گذاران صنایع غذایی اهمیت دارد باید مورد توجه عملی مسئولان نظام

سیاستگذاری و برنامه ریزی کشور قرار گیرد و از اتخاذ سیاستهای ناپایدار صادراتی، وارداتی و تعرفه‌ای که لطمات جبران ناپذیری را به شرکتها، تولیدکنندگان و صادرکنندگان صنایع غذایی وارد می‌آورد و در گذشته بارها شاهد آن بوده‌ایم اجتناب گردد.

■ ارائه تسهیلات اعتباری بانکی مورد نیاز با نرخ سودهای حمایتی برای استفاده از فناوریهای نوین در رشته فعالیتهای صنایع غذایی باید در دستور کار دولت و بانکها قرار گیرد تا از این طریق بهره‌وری صنایع مذکور و تولید روزآمد و منطبق بر نیاز بازار رقابتی ارتقا یافته و هزینه‌های تولیدشان کاهش یابد و رونق کسب و کارشان پایدارتر شود.

■ ایفای به موقع تعهدات دولت موجبات افزایش سطح اعتماد عمومی و کاهش هزینه ریسک سرمایه‌گذاری در صنایع غذایی را فراهم می‌آورد. بدیهی است عدم ایفای تعهدات به موقع دولت نسبت به شرکتهای صنایع غذایی هزینه‌های تولید و قیمت تمام شده آنها را افزایش داده و بر قدرت رقابت‌پذیری آنها تأثیر منفی می‌گذارد.

■ ضروری است با اتخاذ سیاستهای تعدیلی و اصلاحی به ویژه در راستای اقتصاد مقاومتی در زمینه‌های حمایتی زیرساختی، ارائه تسهیلات بانکی ارزان قیمت، حمایتها و معافیت‌های مالیاتی تولیدی، حمایت‌های بیمه‌ای، تسهیلات صادراتی برای صنایع غذایی، حمایت‌های تعرفه‌ای با جهت‌گیری حمایت از تولید داخلی نرخ مبادله به نفع بخش کشاورزی و صنایع کشاورزی و غذایی اصلاح شود.

■ سیاستهای مالیاتی مبتنی بر ارزش افزوده در بخش صنایع غذایی باید نسبت به صنایع غیرغذایی از ویژگی حمایتی‌تری برخوردار باشد و به کاهش هزینه ریسک در این زیربخش کمک کند. اعمال سیاستهای مالیاتی یکسان در صنایع غذایی و غیر غذایی موجب بدتر شدن رابطه مبادله می‌شود.

■ با توجه به فقدان آمار دقیق و قابل اتکا از واحدهای تولیدی کوچک مقیاس صنایع غذایی و با عنایت به این واقعیت بخش عمده‌ای از رونق کسب و کار به این واحدها بستگی دارد و ضروری است راهکار لازم در مرکز آمار ایران و بانک مرکزی برای رفع این نقیصه تدبیر گردد.

- بسیاری از صنایع غذایی پس از اخذ مجوزهای مربوطه و شروع به کار با مشکلات و معضلات اجرایی و تولیدی توسط سازمانها و دستگاههایی مواجه می‌شوند که اساساً در فرایند اخذ مجوز تأسیس و پروانه بهره‌برداری دخیل نبوده‌اند. این امر موجب توسعه فساد اداری و افزایش هزینه‌های پیش‌بینی نشده تولید گردیده و در برخی مواقع موجب شده طرح اولیه یا متوقف شود و یا توجیه اقتصادی و تولیدی خود را کاملاً از دست داده و تغییر کاربری پیدا کند. به همین دلیل ضروری است شیوه مداخله و نظارت دستگاههای ذیربط به گونه‌ای بازنگری و اصلاح شود که سرمایه‌گذاران با تصمیمات متناقض دستگاهها که هزینه‌های گزافی را بر آنها تحمیل مینماید مواجه نباشند.
- برای تسهیل حضور ایران در بازارهای کالا و سرمایه در خارج از کشور حضور سرمایه‌گذاران خارجی در صنایع غذایی ایران ضروری است. از اینرو باید زمینه حضور و مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی با اصلاح مقررات جذب سرمایه‌گذاران خارجی و نشان دادن انعطافهای لازم در موارد اجرایی و اداری فراهم گردد.
- با توجه به تنوع ماهیتی و گوناگونی مسائل صنایع غذایی که در برخی از ابعاد فاقد هر گونه شباهتی با یکدیگر هستند و برای شناخت دقیق و علمی چالشهای سرمایه‌گذاری و الزامات رونق بازار کسب و کار صنایع غذایی ضروری است با محوریت سرمایه‌گذاری و کسب و کار پژوهشهای مسقلی برای هر یک از صنایع غذایی در دستور کار پژوهشگران و موسسات تحقیقاتی ذیربط قرار گیرد تا خلاء مطالعاتی در صنایع غذایی از این حیث جبران گردد.
- برای جلوگیری از خواب سرمایه، حفظ قدرت رقابت‌پذیری و کاهش هزینه تمام شده و در نتیجه رونق بازار کسب و کار باید گستره بازار صنایع غذایی با هدف توسعه صادرات توسط سرمایه‌گذار تعریف شود.
- ضروری است ایجاد و توسعه صنایع غذایی در پنجره‌های واحد و در چارچوب طرح آمایش سرزمینی مشخص و سنجیده شده‌ای با لحاظ کلیه ملاحظات لازم زیرساختی، تولیدی، اقتصادی، اداری، زیست محیطی و حتی سیاسی و فرهنگی مورد حمایت و در دستور کار قرار

گیرد و از تحمیل هزینه‌های پیش‌بینی نشده توسط دستگاه‌های ذیربط دولتی به سرمایه‌گذار جلوگیری شود.

▪ رونق بازار کسب و کار بدون شکستن سلطه دولتی و شبه دولتی بر شرکتهای بزرگ و متوسط و خصوصی سازی واقعی و صحیح آنها امکان‌پذیر نیست. شکستن این سلطه باید با عزمی جدی و به فوریت در دستور کار قرار گیرد.

▪ ضوابط، مقررات و درصد سود تسهیلات بانکی به صنایع غذایی باید به نوعی که امکان استفاده از این تسهیلات برای صنایع مذکور فراهم گردد اصلاح شده و مورد بازنگری قرار گیرند.

▪ داشتن شرکای توانمند بین المللی و خارجی نوعی سرمایه محسوب شده که نه تنها باعث رونق بیشتر بازار کسب و کار می‌شود بلکه موجب افزایش ضریب امنیت سرمایه‌گذاری در ایران و ایجاد تقاضای موثر خارجی برای محصولات تولیدی شرکتهایی که از مزیت داشتن شرکای خارجی بهره‌مند می‌شود. این نقیصه در رابطه با صنایع غذایی به طور گسترده‌ای در ایران مصداق دارد.

فهرست منابع:

- اباذری، ع. و حسینی یکانی، س. (۱۳۹۳). اولویت‌بندی مکانی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی (مطالعه موردی استان مازندران). تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۵، شماره ۱: ۱۸۲-۱۷۵.
- اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران. (۱۳۹۲). تحلیل سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران. اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران، تهران، ج.۱. ایران: ۳۴۰ صفحه.
- احمدپور، ا.؛ یحیی‌زاده‌فر، م. و سرافرازیزدی، م. (۱۳۸۴). مقایسه قیمت مورد انتظار با قیمت بازار سهام (صنایع مواد غذایی و آشامیدنی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹: ۳۲-۱۵.
- اردستانی، م. (۱۳۹۳). تحلیل بازار مرکبات در جهان و ایران. موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، وزارت جهاد کشاورزی. ۲۳ صفحه.
- باقری، م. و ترکمانی، ج. (۱۳۷۹). بررسی وضعیت و ارتباط بین سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی در بخش کشاورزی با استفاده از آزمون هم‌انباشتگی. مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد، ۲۹ بهمن تا ۱ اسفند: ۷۹۷-۷۷۵.
- باقری، م. و کرمی، ا. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بلندمدت و کوتاه‌مدت تورم و اعتبارات با سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی. مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی. تهران.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۳ الف). موجودی سرمایه در اقتصاد ایران ۱۳۵۳-۹۱. معاونت اقتصادی بانک مرکزی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۳ ب). خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۹۲. اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی. ۹۰ صفحه.

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . (۱۳۹۳ پ) . شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران . بازیابی شده از www.cbi/datedlist/10807.aspx در تاریخ ۱۰/۱۰/۹۳ ، ساعت ۱۱ .
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . (۱۳۹۳ ت) . سهم فعالیتهای اقتصادی در تولید ناخالص داخلی . بازیابی شده از www.cbi/datedlist/10807.aspx در تاریخ ۲۰/۹/۹۳ ، ساعت ۹ .
- بهزادنسب، ج؛ مسافرن،؛ نوری، م. و عبدالله زاده، م. (۱۳۹۳) . ترسیم سیمای صنایع غذایی کشور . موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی ، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، وزارت جهاد کشاورزی . ۹۶ صفحه .
- بختیاری، ص. و حقی، ز. (۱۳۸۰) . بررسی آثار افزایش درآمدهای نفتی بر بخش کشاورزی (بیماری هلندی در اقتصاد ایران). اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۹، شماره ۳۵: ۱۳۸-۱۰۹
- پالوچ، م. و جیران، ع. (۱۳۹۳) . روند تولید و تجارت شیر در جهان و ایران . موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی ، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، وزارت جهاد کشاورزی . ۱۲ صفحه .
- تهامی‌پور، م. و شاهمرادی‌فرد، م. (۱۳۸۶) . اندازه‌گیری رشد بهره‌وری کل عوامل تولید بخش کشاورزی و بررسی سهم آن از رشد ارزش افزوده بخش . اقتصاد کشاورزی، شماره ۲: ۳۳۲-۳۱۷ .
- خدایرست شیرازی، ج. و ستایش، ع. (۱۳۸۹) . مقایسه بهره‌وری نیروی کار و سرمایه بخش کشاورزی با بخشهای صنعت و خدمات . اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۸، شماره ۷۰: ۷۸-۵۵ .
- خدایرست مشهدی، م.؛ بخت‌آزما، ج. و ایزانلو، ق. (۱۳۹۱) . بررسی انتظارات متقابل برای مشارکت دولت و بخش خصوصی برای رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری (مطالعه موردی بخش کشاورزی استان خراسان شمالی) . اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، دانشگاه فردوسی مشهد، جلد ۲۶، شماره ۱: ۵۸-۴۸ .

- دانشور کاخکی، م. (۱۳۷۹). محاسبه بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی و مقایسه آن با صنعت. مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد، ۲۹ بهمن تا ۱ اسفند: ۸۶۴-۸۵۶.
- راعی دهقی، م.؛ کریمی، ف. و زاهدی کیوان، م. (۱۳۹۰). امکان سنجی اقتصادی به منظور سرمایه‌گذاری در احداث صنایع لبنی در شرایط عدم قطعیت. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۳، شماره ۱: ۷۲-۴۷.
- رجیبی جهرودی، م. (۱۳۸۲). بررسی نقش تسهیلات اعطایی بانکها در تجهیز سرمایه و سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی. مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی. موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- رحمانی، م. (۱۳۸۵). بررسی نقش صنایع تبدیلی در کاهش ضایعات و توسعه صادرات محصولات باغی. روند پژوهش‌های اقتصادی، سال ۱۶، شماره ۴۹: ۲۲۹-۲۰۱.
- رحیمی، ع. (۱۳۸۳). تبیین ویژگی‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی با تکیه بر تجارب دیگر کشورها. وزارت جهاد کشاورزی، تهران، ج.۱. ایران: ۳۳۴ صفحه.
- رنجبرپور، ر.؛ حقیقت، ج.؛ کریمی تکامل، ز. و مردی بیوه راه، ر. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری بر قیمت مواد غذایی در ایران. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۴، شماره ۴: ۹۱-۷۱.
- سادات باریکانی، س.؛ ایران نژاد، ب. و اقوامی، م. (۱۳۹۱). شناسایی پیوندهای بین بخشی فعالیت‌های اقتصاد ایران با تأکید بر فعالیتهای بخش کشاورزی. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۴، شماره ۲: ۱۱۹-۹۹.
- سازمان نقشه‌برداری کشور. (۱۳۸۷). اطلس ملی ایران - صنعت، نگارش ۲. ۵۴ صفحه.
- سلطانی، غ. (۱۳۸۰). تعیین نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی. موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی: ۱۰۹ صفحه.
- سهرابی ام‌آباد، ن. (۱۳۸۵). بررسی نقش سرمایه‌گذاری دولت در رشد بخش کشاورزی طی برنامه‌های عمرانی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. پایان

- نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی. ۲۳۳ صفحه.
- شاکری، ع. و موسوی، م. (۱۳۸۲). بررسی عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی در بخش کشاورزی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۱، شماره ۴۳ و ۴۴: ۱۰۳-۹۱.
 - شادان، ع. (۱۳۸۸). بررسی ابعاد اقتصادی ضایعات محصولات کشاورزی در ایران. مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی. دانشگاه فردوسی، مشهد.
 - شکری، ا.؛ شاهنوشی، ن.؛ محمدزاده، ر. و آذرین‌فری، ی. (۱۳۸۸). عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، شماره ۲: ۱۱۸-۱۰۷.
 - صادقی شاهدانی، م. و عبدالملکی، ح. (۱۳۸۸). تعیین مزیت نسبی در استانهای کشور با استفاده از مدل MODM. تحقیقات تجاری، شماره ۵۰: ۸۹-۷۶.
 - صامتی، م. و فرامرزی‌پور، ب. (۱۳۸۳). بررسی موانع سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۵: ۱۱۲-۹۱.
 - طاهری، ف.؛ موسوی، ن. و محمدی، ح. (۱۳۸۷). تحلیل آثار افزایش مخارج دولت بر متغیرهای کلان بخش کشاورزی و اقتصاد ایران: تحلیلی در چارچوب تعادل عمومی. پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، شماره ۴۷: ۱۲۰-۹۵.
 - طوسی، م. (۱۳۹۳). تولید و تجارت شکر در ایران و جهان. موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی: ۱۸ صفحه.
 - عمانی، ا. و سلمانزاده، س. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل موثر بر مدیریت نوآوری در صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات دامی در مناطق روستایی استان خوزستان. روستا و توسعه، سال ۱۶، شماره ۴: ۱۴۱-۱۲۱.
 - فاطمی امین، س. و مرتضایی، ا. (۱۳۹۲). برنامه راهبردی زنجیره تأمین فرآورده‌های غذایی. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی، تهران، ایران: ۴۸۹ صفحه.
 - قره‌چه، م. و حسومیان، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه فرایند چرخه‌ای دانش و نرخ بازده سرمایه. چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۳: ۲۴-۹.

- کازرونی،ع. و ابقایی،ف. (۱۳۸۷). بررسی مخارج مصرفی و سرمایه‌های دولت بر سرمایه-گذاری بخش خصوصی در ایران. پژوهشهای اقتصادی، سال ۸، شماره ۱: ۲۰-۱.
- کیانی‌راد،ع. و کوپاهی،م. (۱۳۷۹). تجزیه تحلیل سرمایه‌گذاری دولتی در بخش کشاورزی و پیش‌بینی آن برای دوره ۸۳-۱۳۷۹. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۸، شماره ۳۲: ۱۱۶-۱۰۳.
- کلانتری،خ؛ عبدی،ر. و موحد محمدی،ح. (۱۳۸۹). عوامل پیش‌برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۸، شماره ۷۰: ۳۷-۱۹.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۳). چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار - پاییز ۱۳۹۳. دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران: ۱۰ صفحه.
- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. (۱۳۹۲). تحلیل اطلاعات بازار ایران (تابا) شماره ۱۲۴. پژوهشکده مطالعات راهبردی، وزارت صنعت، معدن و تجارت. تهران. ۳۴ صفحه.
- مهرابی بشرآبادی،ح. (۱۳۸۲). تأثیر رابطه مبادله قیمتی بر بخش کشاورزی ایران. مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی.
- مهرگان،ن. (۱۳۶۸). تحولات سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره های ۶۱ و ۶۲.
- مهرگان،ن. (۱۳۷۶). تحلیل رفتار سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در کشاورزی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۴، شماره ۱۷: ۱۶۰-۱۳۵.
- مهندسان مشاور آمایش منطقه‌ای فلات. (۱۳۹۲). گزارش شماره ۱ طرح مطالعاتی بررسی موانع سرمایه‌گذاری دولتی و غیر دولتی در توسعه اقتصادی روستاها و ارائه راهکارهای مناسب. موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی: ۵۹۴ صفحه.

- میر، س.؛ اکبری، ا. و هاشمی تبار، م. (۱۳۸۳). بررسی عوامل موثر بر دسترسی به اعتبارات کشاورزی و نقش آن در تولید (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان). اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۸: ۵۱-۲۵.
- وزارت جهاد کشاورزی. (۱۳۹۲ الف). آمار نامه کشاورزی ۱۳۹۰ جلد دوم. وزارت جهاد کشاورزی. تهران. ۴۲۵ صفحه.
- وزارت جهاد کشاورزی. (۱۳۹۲ ب). آمار نامه کشاورزی ۱۳۹۱ جلد دوم. وزارت جهاد کشاورزی. تهران. بازبایی شده از www.mag.ir/portal/file در ۱۲ بهمن ساعت ۱۷. ۴۰۵ صفحه.
- ولیزاده زنوز، پ. (۱۳۸۸). بررسی بهره‌وری در اقتصاد ایران. بانک مرکزی، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۴۰.
- هوشمند، م.؛ دانش‌نیا، م.؛ عبداللهی، ز. و اسکندری پور، ز. (۱۳۹۳). عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران. مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، دوره ۳، شماره ۱۱: ۲۵۵-۲۳۹.
- یزدان‌بخش، س.؛ شاهنوشی فروشانی، ن.؛ دانشور کاخکی، م.؛ کارشکی، ح. و دوراندیش، آ. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل موثر بر استفاده از ظرفیت تولیدی صنایع غذایی و آشامیدنی (مطالعه موردی استان خراسان رضوی). اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۲۱، شماره ۸۱: ۷۱-۱۰۰.
- A.da Silva, C.; Baker, D.; W.Shepherd, A.; Jenane, C. and Miranda-da-Cruz, S. (2009). Agro-Industries For Development. Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO) and United Nations Industrial Development Organization (UNIDO), London, UK: 278 Pages.
- Amiri Aghdaie, S. and Davari, H. (2010). Iran Accession to WTO and Its Effects on Food Industries. International Journal of Marketing Studies, Vol.2, No.2: 160-165.
- Cranfield, J.; Hertel, T.W.; Eales, J.S. and Preckel, P.V. (1998). Changes in the Structure of Global Food Demand. American Journal of Agricultural Economics, Vol 80, No 5: 1042-1050.

- Food and Agriculture Organization of the United Nations. (2007). *Challenges Of Agribusiness And Agro-Industries Development*. Rome, Italy: 98 Pages.
- Busch,L. and Bain,C. (2004). *New! Improved? The Transformation of the Global Agrifood System*. *Rural Sociology*,Vol 69,No 3: 321–346.
- Henson, S.J. and Jaffee,S. (2008). *Understanding Developing Country Strategic Responses to the Enhancement of Food Safety Standards*. *The World Economy*,Vol 31,No1: 1–15.
- Raikes,P.; Jensen, M. and Ponte,S. (2000). *Global Commodity Chain Analysis and the French Filière Approach: Comparison and Critique*. *Economy and Society*,Vol 29,No 3: 390–417.
- Vorley, W. and Fox,T. (2004). *Concentration in Food Supply and Retail Chains*. Department for International Development. International Institute for Environment and Development, London.
- Vorley, W. and Fox,T. (2004). *Global Food Chains— Constraints and Opportunities for Smallholders* . OECD DAC POVNET Agriculture and Pro-Poor Growth Task Team Helsinki Workshop 17-18 June:33 Pages.
- World Bank. (2007). *World Development Report 2008- Agriculture For Development*. Washington D.C, USA:390 Pages.
- World Bank. (2014). *World Development Indicators 2014*. Washington D.C, USA, Retrieve from <http://data.worldbank.org/products/wdi> on 2015, Jan.3,11a.m:115 Pages.